

فصل‌نامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی
دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر
شماره پیاپی: بیست و هفتم - بهار ۱۳۹۵
از صفحه ۱۱۹ تا ۱۳۸

تمثیل و کاربرد گونه‌های آن در مخزن‌الاسرار نظامی*

هاله اژدرنژاد^۱

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دهاقان - ایران

احمدرضا یلمه‌ها^۲

استاد زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دهاقان - ایران

چکیده

تمثیل یکی از انواع مهم ادبی است که از دیرباز، مورد توجه سخنوران بوده و از آن جهت ارزشمند است که نتیجه افکار و اندیشه آن‌ها در طی قرن‌های متمادی و بخشی از فرهنگ و هویت یک ملت است. در پژوهش حاضر که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است، انواع تمثیل داستانی و ابزار و عناصر کاربرد آن در مخزن‌الاسرار نظامی بررسی شده است. در این پژوهش پس از استخراج انواع تمثیل، نمودار بسامدی نیز ترسیم شده است. نتیجه این بررسی نشان داده، در مخزن‌الاسرار، پارابل پرکاربردترین نوع تمثیل داستانی می‌باشد و نظامی از اسطوره ملی، تلمیحات تاریخی و مذهبی و حیوانات برای بیان تمثیلات خود سود جستگه است.

واژه‌گان کلیدی: تمثیل، مخزن‌الاسرار، نظامی گنجوی، پارابل، آگزمپلوم، فابل

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱/۲۳

پست الکترونیکی نویسنده مسؤول: h_ajdarnejad@yahoo.com

مقدمه

تمثیل از ارکان ارزشمند زبان و ادب فارسی است و کاربرد آن سابقه‌ای طولانی دارد. این نکته را باید دانست که در بن هر تمثیلی، تشبیه یا استعاره‌ای نهفته است که به گوینده این امکان را می‌دهد تا از رهگذر آن به سهولت مقصود خویش را بیان کند و به تبع آن، ماندگاری آن در ذهن خواننده افزون شود.

بخش قابل توجهی از آیات قرآن به تمثیل و انواع آن، اختصاص یافته است. آنجا که می‌فرماید: «وَ تِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنَاسٍ لِّعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»^۱ و «وَ تِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنَاسٍ لِّعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»^۲ و «وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ»^۳. خداوند متعال در تمام کتب آسمانی خصوصاً در قرآن کریم، به تمثیل توجه خاصی داشته و آن را مؤثرترین روش در تفکر و تذکر می‌داند. در قرآن کریم تمثیل‌های فراوانی ذکر شده است از جمله: تمثیل اعمال کافران به خاکستر در برابر باد. (ابراهیم/۱۸)؛ تمثیل برای انفاق در راه خدا به دانه پر برکت. (بقره/۲۶۱)؛ تمثیل عالم بی عمل به حیوان. (جمعه/۵)؛ تمثیل زندگانی دنیا به بازی و سرگرمی. (حدید/۲۰)؛ تمثیل حق و باطل به آب زلال و کف روی آب. (رعد/۷)؛ تشبیه منافقان به چوب‌های خشک. (منافقون/۴)؛ تمثیل افراد بی ایمان به چهارپایان. (انفال/۵۵). تمثیل‌های قرآنی نه تنها جنبه‌های اخلاقی و تربیتی دارند؛ بلکه زیباترین جلوه‌های ادبی، بلاغی و در واقع جنبه اعجاز آن را نیز به نمایش می‌گذارند. برخی از دانشمندان، تمثیل‌های قرآن را نهایت فصاحت و بلاغت قرآن دانسته‌اند؛ چراکه قرآن توانسته است، عظیم‌ترین و پیچیده‌ترین حقایق را در قالب تمثیل‌های ساده و همه‌فهم به خوانندگان عرضه کند. در آثار ادبی تمثیل‌های کوچک و بزرگ و متنوع بسیاری آمده است که تنبه و آگاه‌کنندگی از مهم‌ترین ویژگی آن‌هاست. از جمله در مثنوی مولوی، منطق‌الطیر عطار، سیرالعباد الی‌المعاد سنایی و آثار بسیار دیگر، تمثیل رکن مهم قصه‌پردازی است.

۱. سوره حشر، آیه ۲۱

۲. سوره عنکبوت، آیه ۴۳

۳. سوره نور، آیه ۳۵

اهمیت این موضوع در آن است که یکی از عوامل پر جاذبه که نقش بسیار مهمی در انتقال تعالیم و مفاهیم دارد، تمثیلات و تشبیهات است که در هر کشوری بخشی از فرهنگ و ادبیات آن را تشکیل می‌دهد (اسعدی، ۱۳۸۳: ۶۴). این پژوهش به هدف بررسی تمثیل داستانی و گونه‌های آن در مخزن الاسرار نظامی انجام شده است و نگارندگان برآنند تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهند:

- ۱- گونه‌های تمثیل‌های داستانی به کار رفته در مخزن الاسرار کدامند؟
 - ۲- کدام گونه تمثیل داستانی در این اثر بیشترین بسامد را دارد؟
 - ۳- نظامی از چه ابزاری در تمثیل استفاده می‌کند و کدام بالاترین بسامد را دارد؟
- و فرضیات زیر را اثبات نمایند:

- ۱- پارابل پرکاربردترین نوع تمثیل داستانی در مخزن الاسرار است.
- ۲- نظامی در ارائه تمثیلات داستانی از تلمیحات مذهبی بیشترین استفاده را می‌نماید.

مروری بر پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهش‌های متعددی در زمینه تمثیل صورت گرفته است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

پایان‌نامه صفر احمدیان با عنوان «ادبیات تمثیلی (نمایشی) در سده‌های ششم و هفتم» در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، مقاله ماه نظری، تحت عنوان: «نقش تمثیل در داستان‌های مثنوی معنوی» در مجله فنون ادبی، مقاله فرزاد قائمی با عنوان «تمثیل‌گرایی فلسفی و پیوند آن با ادبیات تمثیلی مولانا در مثنوی» در فصلنامه تخصصی ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، مقاله احمد ابومحبوب در مجله رشد آموزش و پرورش تحت عنوان «در تمثیل و ارسال المثل»، مقاله فرانسیس مک دونالد و کورن فوردا با ترجمه صدرالدین میرزایی در مجله گوهر، با عنوان «تمثیل افلاطون درباره غار، معروف به «مثل افلاطون»». همچنین مقاله «تمثیل و کلیله و دمنه» نوشته وحید باقرزاده خالصی در مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی، مقاله «نماد و تمثیل - تفاوت‌ها و شباهت‌ها» به قلم صابر امامی که در کتاب ماه هنر به

چاپ رسیده است.

روش تحقیق

نوع روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است. گردآوری داده‌های تحقیق با روش مطالعه کتابخانه‌ای انجام شده. ابزار گردآوری اطلاعات فیش‌برداری و تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌ها در این تحقیق بر اساس کیفی و کمی صورت گرفته و در پایان جدول و نمودار آنها رسم شده است.

چارچوب نظری تحقیق

پیشینه تمثیل

به نظر دهخدا تمثیل از نظر لغوی معادل «مثل آوردن و تشبیه کردن چیزی به چیزی دیگر» است (دهخدا، ۱۳۷۷: در زیر واژه). در علم بلاغت دیدگاه‌های مختلفی درباره تمثیل وجود دارد که عبارتند از:

۱- تمثیل جزو استعاره است:

در المعجم فی معاییر اشعار العجم تمثیل از جمله استعارات است، الا آن که این نوع استعارتی است به طریق مثال چون شاعر خواهد که به معنی‌ای اشارتی کند. لفظی چند که دلالت بر معنی‌بی دیگر کند بیارد و آن را مثال معنی مقصود سازد و از معنی خویش بدان مثال زند. چنانکه ازرقی گفته است: زمرد و گیاه هر دو هم‌رنگ‌اند ولیک زین به نگین‌دان کشند و زان به جوال (رازی، ۱۳۶۹: ۱۹۷). واعظ کاشفی هم بر این عقیده است که «تمثیل هم از جمله استعارات است الا آنکه این استعارت بر طریق مثال مذکور می‌گردد. تمثیل در لغت باز نمودن صورت مثال است و در اصطلاح، ایراد معنی مقصود است به طریق مثل و...» (کاشفی، ۱۳۶۹: ۱۰۵).

۲- تمثیل شاخه‌ای از تشبیه است:

عبدالقاهر جرجانی در این‌باره می‌گوید: «تشبیهی که بیشتر شایسته عنوان تمثیل است،

تشبیهی است که جز در کلام و یک جمله یا بیشتر گنجانده نمی‌شود. چنانکه تشبیه هر قدر به عقلی بودن نزدیکتر شده باشد، جمله بیشتر خواهد بود» (بدوی طبانه، البیان، ۷۷۰؛ نقل از شفیعی کدکنی، ۱۳۵۰: ۶۷).

بنابر اعتقاد سکاکی «تشبیه تمثیلی، تشبیهی است که وجه شبه در آن به هیئتی باشد غیرحقیقی، خواه عقلی باشد و خواه اعتباری صرف...» (سکاکی؛ نقل از شفیعی کدکنی، ۱۳۵۰: ۶۷) و شفیعی کدکنی معتقد است: «تمثیل شاخه‌ای از تشبیه است و به همین دلیل در کتب بلاغی عنوان تشبیه تمثیلی فراوان دیده می‌شود» (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۰: ۶۸). همچنین معتقد است که این شاخه از صور خیال شاعرانه، در ادب فارسی، تکامل و اوج خاص خود را در شعر دوره‌های بعد از قرن هفتم و بخصوص در شعر شاعران اسلوب هندی، طی خواهد کرد.

۳- تمثیل، مثل یا شبیه مثل است:

دیدگاه جلال‌الدین همایی درباره تمثیل «آن است که عبارت نظم یا نثر را به جمله‌ای که مثل یا شبیه مثل و متضمن مطلبی حکیمانه است بیارایند، و این صنعت همه‌جا موجب آرایش و تقویت بنیه سخن می‌شود و گاه باشد که آوردن یک «مثل» در نظم یا نثر و خطابه و سخنرانی، اثرش در پروراندن مقصود جلب توجه شنونده، بیش از چندین بیت منظوم و چند صفحه مقاله و رساله باشد» (همایی، ۱۳۷۰: ۲۹۹).

۴- تمثیل با تشبیه مترادف است:

ابن اثیر از این دسته است. او تمثیل را هم معنی و مترادف با تشبیه دانسته است. (ابن اثیر، ۱۳۷۹: ۱۲).

البته باید گفت که در همه موارد، روایتی که در لایه ظاهری بیان می‌شود، همان معنایی نیست که راوی قصد دارد القاء کند. این معنا در لایه دیگر، ناگفته و پنهان است. پس می‌توان لایه دوم را داستان «حقیقی» نامید و ارزش تمثیل و در واقع بنیاد آن در همین لایه قرار دارد. کشف لایه دوم البته زیرکی و خبرگی می‌خواهد؛ زیرا لایه ظاهری روایت، همان قدر می‌تواند پنهان‌کننده معنا باشد که آشکارکننده آن (کیبل و ویلر، ۱۳۷۴: ۳۶۸).

علل مقبولیت تمثیل

از مهم‌ترین عواملی که سبب علاقه انسان‌ها به تمثیل می‌شود می‌توان موارد زیر را ذکر نمود:

۱- تمثیل معمولاً ساختاری داستانی دارد و علاقه به داستان در نهاد بشر امری فطری است؛ زیرا تمامی چهار ویژگی عمده‌ای را که محققان برای امور فطری بر می‌شمارند، در قصه و داستان دیده می‌شود. این ویژگی‌ها به طور خلاصه عبارتند از:

- خاص نوع انسانند
- همگانی هستند با گستره‌ی زمانی و مکانی وسیع
- تغییرناپذیرند
- این گرایش و علاقه محصول یادگیری نیست

تمامی این ویژگی‌ها در قصه آشکار است؛ یعنی پیر و جوان، غنی و فقیر، در تمام زمان‌ها و مکان‌ها به قصه علاقه‌مندند و بی‌شک مانند سایر امور فطری ممکن است بنا به عللی دچار ضعف و سستی شود؛ اما هرگز از بین نخواهد رفت.

۲- تمثیل با بیانی غیر مستقیم و کنایی، از تلخی و گزندگی پند می‌کاهد؛ زیرا سرشت آدمی از این‌که آماج تیرهای پند واقع شود، ناخرسند است.

۳- معمولاً معانی انبوه در قالب تمثیل به شکلی موجز ارائه می‌شود و کم‌تر باعث خستگی و ملالت مخاطب می‌گردد.

۴- مهم‌ترین نکته آن است که تمثیل، چون سایر آرایه‌ها فرآیندی دو جانبه دارد؛ بدین گونه که گوینده با بیانی تمثیلی نیمی از انتقال پیام را به عهده می‌گیرد و باقی را به عهده شنونده و مخاطب می‌گذارد و کندوکاو ذهنی برای یافتن حلقه‌های مفقوده این تشبیه مرکب، سبب ایجاد التذاذ ادبی می‌گردد.

۵- تمثیل در فرهنگ بشری مروج روحیه تسامح و نقطه اشتراک است. «تمثیل به زبانی مشترک و جهانی نزدیک و گزارشگر احساسات و تجربه‌های مشترک بشری می‌شود. هر کس با شنیدن آن شرایط ویژه خود را با آن مقایسه می‌کند و خود را در آن سهیم و شریک

می‌یابد» (ملایی، ۱۳۸۳: ۵۸).

مخزن الاسرار

خمسۀ نظامی پنج منظومه دارد که مخزن الاسرار، اولین و کوتاه‌ترین آن‌هاست. این منظومه شامل ۲۲۸۸ بیت است که در بحر سریع مطوی موقوف (مفتعلن مفتعلن فاعلان) و برخی از بیتها در بحر سریع مطوی مکشوف (مفتعلن مفتعلن فاعلن) سروده شده‌اند. نظامی «این منظومه را به نام ملک فخرالدین بهرامشاه بن داوود بن اسحاق، از ملوک منگوجکیان مسجل کرده است» (برات زنجانی، ۱۳۷۰: ۲۴-۲۵). «مخزن الاسرار» دشوارترین منظومه نظامی است و این دشواری بیش از همه در مقدمه آن، ستایش خداوند و پیامبر- دیده می‌شود. مخزن الاسرار را می‌توان به سه بخش متمایز تقسیم کرد:

در بخش نخست، شاعر به ستایش خداوند و نعت پیامبر اکرم و مدح بهرامشاه می‌پردازد. موضوعات این بخش بیشتر براساس اعتقادات کلامی شاعر بیان شده و این امر، سبب ایجاد فضایی دینی در متن گردیده است. در بخش دوم، نظامی از خلوت‌های خویش و ادب‌آموزی دل سخن می‌گوید و ثمرۀ این خلوت‌ها را که شهودی عرفانی است، بیان می‌کند. بخش سوم مخزن الاسرار، شامل حکایات کوتاه تمثیلی است که شاعر در خلال این حکایات به اندرز و موعظه می‌پردازد (طغیانی و نجفی، ۱۳۹۳: ۳۰۸).

گونه‌های تمثیل داستانی در مخزن الاسرار نظامی

یکی از شیوه‌های هنری در مخزن الاسرار تمثیل است که به خاطر افزونی خوانندگان به صورت مثل سائر درآمده است. البته گاه نظامی در این زمینه افراط می‌ورزد و تعداد ابیات تمثیلی آن برای یک موضوع پیاپی و طولانی می‌شود. البته این موضوع بیشتر در منظومه‌های غنایی وی دیده می‌شود و مخزن الاسرار از این افراط‌گری به دور است. تمثیلات در مخزن الاسرار بیشتر کوتاه هستند. گاه تک بیتی‌اند، مانند:

نیست عجب خنده ز روی سیاه کابر سیه برق ندارد نگاه
(نظامی: ۱۳۷۹: ۱۵۹)

دل که به شادی غم دل می‌گرفت چشمه خورشید به گل می‌گرفت
(همان: ۶۱)

و گاه دو یا چند بیتی است مانند نمونه‌های زیر:

شحنه این راه چو غارتگرست مفلسی از محتشمی بهترست
دیدم از آنجا که جهان بینی است کافت زنبور ز شیرینی است
شیر مگر تلخ بدان گشت خود کز پس مرگش نخورد دام و دد
شمع ز برخاستنی وا نشست مه ز تمامی طلبیدن شکست
باد که با خاک به گرگ آشتی است ایمن ازین راه ز ناداشتی است
(همان: ۱۴۲-۱۴۳)

سر مکش از صحبت روشندان دست مدار از کمر مقبلان
خار که هم صحبتی گل کند غالیه در دامن سنبل کند
(همان: ۸۵)

داستان‌های تمثیلی به سه دسته تقسیم می‌شوند. فابل، پارابل و آگزمپلوم که هر کدام به طور جداگانه بررسی می‌شوند.

فابل

«فابل از ریشه لاتین «fibula» به معنی بازگفتن است و بر روایت کردن، تأکید دارد. این اصطلاح در دوران قرون وسطی و رنسانس اغلب هنگام سخن گفتن از طرح یک روایت به کار می‌رفت. در اصطلاح ادبی، فابل، داستان ساده و کوتاهی است که معمولاً شخصیت‌های آن حیوان و هدف آن آموختن و تعلیم یک اصل و حقیقت اخلاقی است. البته فابل گاهی نیز برای داستان‌های مربوط به موجودات طبیعی و یا وقایع خارق‌العاده، افسانه‌ها، اسطوره‌های جهانی و

داستان‌های دروغین و ساختگی به کار می‌رود. شخصیت‌ها در فابل اغلب حیواناتند؛ اما گاهی اشیای بیجان و موجودات انسانی یا خدایان هم در آن حضور دارند.» (تقوی، ۱۳۷۶: ۹۲). در مخزن الاسرار با فابل‌های زیر روبرو هستیم:

۱- مقاله ششم، داستان صیاد و سگ و روباه

در این داستان روباه و سگ به عنوان شخصیت‌های اصلی داستان سخن می‌گویند.

طنزکنان روبهی آمد ز دور گفت صبوری بکن ای ناصبور
(نظامی: ۱۳۷۹: ۱۰۳)

او به سخن در که برآمد غبار گشت سگ از پرده در آشکار
آمد و گردش دو سه جولان گرفت نیفه روباه به دندان گرفت
گفت بدین خرده که دیر آمدم روبه داند که چو شیر آمدم
(همان: ۱۰۴)

۲- در مقاله یازدهم، در بی‌وفایی دنیا در بیتی آمده است:

باز به بط گفت که صحرا خوش است گفت شبت خوش که مرا جا خوش است
(همان: ۱۲۷)

۳- نظامی در مقاله بیستم، در داستان بلبل با باز می‌گوید:

در چمن باغ چو گلبن شکفت بلبل با باز در آمد بگفت
کز همه مرغان تو خاموش ساز گوی چرا برده‌ای آخر به باز...
باز بدو گفت همه گوش باش بازی من بنگر و خاموش باش
من که شدم کارشناس اندکی صد کنم و باز نگویم یکی
(همان: ۱۷۷)

۴- در مقاله هفتم، در داستان فریدون با آهو، آمده:

تیر زبان شد همه کای مرزبان هست نظرگاه تو این بی‌زبان (آهو)
در کنف درع تو جولان زند بر سر درع تو که پیکان زند

خوش نبود با نظر مهتران بر رق آهو کف خنیاگران
(همان: ۱۰۹)

پارابل

پارابل^۱ از ریشه یونانی (Parabole) به معنی جایگزینی و جانشینی است و به مجاورتی اشاره می‌کند که یک داستان را با یک عقیده مقایسه کرده، در برابر هم می‌نهد (دائرةالمعارف بریتانیکا: ۱۳۳) و داستان برای بیان حقیقتی دینی و مذهبی بازگو شده از طریق مقایسه به «تعلیم» می‌انجامد و طرح داستان برای این است تا یک اصل مذهبی یا اخلاقی یا حقیقتی را آشکار کند (شاو، ۱۹۷۹: ۱۰؛ نقل از قائمی، ۱۳۸۶: ۱۹۳).

این نوع حکایت‌ها مخصوص کتاب‌های مذهبی است. طرح داستان در پارابل، اصل مذهبی و اخلاقی یا حقیقت عام را آشکار می‌سازد و همواره از طریق مقایسه با حوادث واقعی تعلیم می‌دهد. در پارابل اغلب شخصیت‌ها انسان هستند و در آن یک نظام اجتماعی تجزیه و تحلیل نمی‌شود، بلکه مخاطب بیشتر متوجه تحلیل عقاید خود می‌باشد. تأکیدهای اخلاقی و روحانی پارابل، ذهن را بیش از شکل داستان متوجه واقعیت نقادی آن می‌کند. پارابل‌ها نیز ریشه در فرهنگ شفاهی دارند و ساخته ذهن و هوش همگانی است. «پارابل گاهی طولانی است و شکل داستانی دارد و معنی و مضمون تعلیمی را در قالب رفتار یک شخصیت می‌آموزد و گاهی غیرداستانی و مختصر است» (تقوی، ۱۳۷۶: ۹۴-۹۵).

در صورخیال می‌خوانیم پارابل «قصه کوتاه و ساده‌ای که اغلب بر یک معنی و مقصود اخلاقی دلالت دارد. از پارابل‌ها و امثال، مثل‌های حضرت عیسی است که در انجیل‌های چهارگانه وارد شده است. اصطلاح‌سازان انگلیسی و فرانسوی زبان اغلب آن را تنها برامثال حضرت عیسی منطبق دانسته‌اند.» (فرهنگ اصطلاحات مجدی و هبه؛ نقل از شفیعی کدکنی، ۱۳۵۰: ۶۵).

^۱. Parable

کوسه کم ریش دلی داشت تنگ
ریش کشان دید دو کس را به جنگ
گفت رخم گرچه زبانی فش است
ایمنم از ریش کشان هم خوش است
(نظامی: ۱۳۷۹: ۱۵۷)

گر همه عمرت به غم آرد به سر
از پی تو غم نخورد غم مخور
گفت به زنگی پدر این خنده چیست؟
بر سیاهی چون تو بیاید گریست
گفت چو هستم ز جهان ناامید
روی سیه بهتر و دندان سپید
(همان، ۱۵۸)

رابعه با رابع آن هفت مرد
گیسوی خود را بنگر تا چه کرد
ای هنر از مردی تو شرمسار
از هنر بیوه‌زنی شرم دار
(همان: ۸۹)

زهد که در زرکش سلطان بود
قصه زنبیل و سلیمان بود
(همان: ۱۶۱)

عقل و طبیعت چو تو را یار شد
قصه آهنگر و عطار شد
(همان: ۱۰۸)

اگزمپلوم^۱

«اگزمپلوم یا داستان-مثال یا مثال داستانی است که شهرت بسیار داشته باشد و شنونده به محض شنیدن تمام یا قسمتی از آن، متوجه مشابه یا منظور باطنی تمثیل و نتیجه اخلاقی آن بشود» (شمیسا، ۲۱۳: ۱۳۷۶).

اگزمپلوم در ادب مسیحی غربی در مواعظ، بسیار مرسوم بود و مجموعه اگزمپلوم‌های متعددی از وعاظ و خطبای قرون وسطی به جا مانده است. تمثیل اخلاقی یا «داستان - مثال» یا «حکایت معروف» باید طوری باشد که فوراً ایده خاصی را به ذهن متبادر کند و به همین دلیل این داستان‌ها به علت کثرت استعمال جنبه کلیشه‌ای پیدا می‌کنند (همان، ۲۷۴-۲۷۵). در

^۱. Exemplum

ادبیات فارسی نیز نمونه‌های بسیاری از آگزمپلوم را در آثار شاعران و نویسندگان می‌توان مشاهده کرد. نمونه بارز آن حکایت «دوستی خاله خرسه» می‌باشد. در مخزن‌الاسرار نیز آگزمپلوم مشاهده می‌شود. نظامی در مقاله شانزدهم درباره مفهوم «دشمن دانا به از نادان دوست» را مطرح می‌کند و می‌گوید:

دشمن دانا که غم جان بود بهتر از آن دوست که نادان بود
(نظامی: ۱۳۷۹: ۱۵۰)

و یا در جای دیگر در بیان مفهوم «باد آورده را باد می‌برد» می‌گوید:
منتظر داد به دادی شود و آمده باد به بادی شود
(همان: ۱۶۱)

البته مثل‌ها و ضرب‌المثل‌ها نیز در این گروه قرار می‌گیرند. مثل «قول سایر و مشهوری که حالتی یا کاری را بدان تشبیه کنند» (پورنامداریان، ۱۳۷۵: ۱۱۳). ضرب‌المثل «قولی کوتاه و مشهور که حالتی یا کاری را بدان تشبیه کنند و غالباً شکل نصیحت‌آمیزی از ادبیات عامیانه است که محصول ذهن عوام و مبتنی بر تجربه‌های عادی زندگی است... و غالباً صورت فشرده یک داستان است» (همان، ۱۱۵). نمونه‌هایی دیگر از آگزمپلوم در مخزن‌الاسرار:

ناز بزرگان بیاید کشید تا به بزرگی بتوانی رسید
(نظامی: ۱۳۷۹: ۱۶۰)

قدر به بی‌خوردی و بی‌خوابی است گنج بزرگی به خرابی در است
(همان: ۱۵۷)

در کرم آویز و رها کن لجاج از ده ویران که ستاند خراج؟
(همان: ۱۴۱)

مونس و غمخواره غم وی بود چاره‌گر می‌زده هم می‌بود
(همان: ۶۷)

گردن عقل از هنر آزاد نیست هیچ هنر خوبتر از داد نیست
(همان: ۸۹)

دوستی از دشمن معنی مجوی آب حیات از دم افعی مجوی
(همان: ۱۵۵)

«نظیر این گونه «امثال سایر» که بسط و توسعه مضمون یا نقل آنها به صورت عملکرد، رنگ حکایت به خود گرفته، الهام‌بخش بعضی از حکایتهای مثنوی است؛ مانند داستان «روباه و دنبه» که در قالب قصه، نشان‌دهنده وسوسه و طمعی است که چشم عقل را کور می‌کند و چیزی را که باید مایه سوءظن باشد محل رغبت قرار می‌دهد. یا در قصه آن حکیم که طاوس را به خاطر آن که پر زیبای خویش را می‌کند به ملامت می‌گیرد؛ مولانا با بیانی موجز اشاره می‌کند که: «پر طاوس وبال طاوس است» (نظری، ۱۳۹۳: ۱۴۱). چنین امثالی در مخزن الاسرار سیار به کار رفته است:

گر چه در این راه بسی جهد کرد بیشتر از روزی خود کس نخورد
(نظامی: ۱۰۴: ۱۳۷۹)

قدر به بی‌خوردی و خوابی در است گنج بزرگی به خرابی در است
(همان: ۱۵۷)

آینه چون نقش تو بنمود راست خودشکن، آینه شکستن خطاست
(همان: ۱۴۷)

سفره انجیر شدی صفروار گر همه مرغی بدی انجیرخوار
(همان: ۴۴)

از نوی انگور بود توتیا وز کهنی مار شود اژدها
(همان: ۱۴۹)

زر که ترازی نیاز تو شد فاتحه پنج نماز تو شد
(همان: ۱۴۳)

منتظر داد به دادی شود وامده باد به بادی شود
(همان: ۱۶۱)

به که تهی مغز و خراب ایستی تا چو کدو بر سر آب ایستی

در همه چیزی هنر و عیب هست عیب مبین، تا هنر آری به دست
(همان: ۱۲۶)

ابزار و عناصر کاربرد تمثیلی در داستان‌های مخزن‌الاسرار

نظامی در داستان‌های تمثیلی مخزن‌الاسرار از ابزار و عناصری استفاده نموده است که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود:

اسطوره ملّی

اسطوره‌ها به دلیل داشتن مفاهیم گسترده و متنوع از ابزار مهم شاعران و نویسندگان در دوره‌های مختلف ادب فارسی است. «در بین قدما آنان از که فرهنگ غنی ادب فارسی برخوردار هستند، کمتر شاعری را می‌بینیم که از این رموزاره‌ها به نحو شایسته‌ای استفاده نکرده باشد» (اردلان جوان، ۱۳۷۳: ۴۱-۴۲).

ما که جوانی به جهان داده‌ایم پیر چرائیم کزو زاده‌ایم
سام که سیمرغ پسرگیر داشت بود جوان گرچه پسر پیر داشت
(نظامی: ۸۴: ۱۳۷۹)

تلمیحات تاریخی و مذهبی

به دلیل تأثیرپذیری شاعران و نویسندگان از کتاب آسمانی قرآن، استفاده از داستان‌های دینی مربوط به پیامبران، از دیگر ابزار خلق تمثیل است که نه تنها در شعر نظامی بلکه در شعر اکثر شاعران عصر وی از جمله خاقانی به وفور دیده می‌شود. همچنین تاریخ کشور ایران، چه قبل از اسلام و چه بعد از آن را می‌توان از عناصر سازنده تمثیل‌ها برشمرد.

گر به فلک بر شود از زر و زور علوم اگور بود بهره بهرام گور^۱
(همان: ۱۲۳)

^۱. بهرام پنجم، پانزدهمین پادشاه ساسانی.

ما همه جسمیم، بیا جان تو باش (همان: ۲۶)	ما همه جسمیم، بیا جان تو باش (همان: ۲۶)
قصه زنبیل و سلیمان بود (همان: ۱۶۱)	زهد که در زرکش سلطان بود (همان: ۱۶۱)
یوسفش از چه بدر افتاده دید (همان: ۱۲۶)	گرگ سگی بر گذر افتاده دید (همان: ۱۲۶)
از سر آن رخنه فرو شد به چاه (همان: ۱۳۹)	ساخت از او همت قارون کلاه (همان: ۱۳۹)
گر به مثل نوح شد آبش ببرد (همان: ۲۳)	هر که ز توفان تو خوابش ببرد (همان: ۲۳)
شهر هاروت به بابل نریخت (همان: ۱۱۱)	زهره هنوز آب در این گل نریخت (همان: ۱۱۱)

جانوران (پرنندگان و حیوانات و حشرات)

نظامی در مخزن الاسرار در تمثیلات داستانی از جانوران برای ارائه آموزه‌های خود سود برده است. این حیوانات به سه دسته پرنندگان، حیوانات و حشرات تقسیم‌بندی شده‌اند.

پرنندگان

پرنندگانی که در این داستان‌ها به آن‌ها اشاره شده است عبارتند از: باز، بط، بلبل، زاغ و زغن، سیمرغ و مرغ انجیرخوار.

باز به بط گفت که صحرا خوش است گفت شبت خوش که مرا جا خوش است
(همان: ۱۲۷)

در چمن باغ چو گلبن شکفت بلبل با باز درآمد بگفت
کز همه مرغان تو خاموش ساز گوی چرا برده‌ای آخر به باز
سام که سیمرغ پسرگیر داشت بود جوان گرچه پسر پیر داشت
(همان: ۸۴)

حیوانات

حیواناتی که نظامی در تمثیلات داستانی از آن‌ها نام برده، عبارتست از: گرگ، سگ، روباه، اسب، آهو.

میوه فروشی که یمن جاش بود	روبهکی خازن کالاش بود
چشم ادب بر سر ره داشتی	کلبه بقال نگه داشتی
(همان: ۱۱۵)	
گرگ سگی بر گذر افتاده دید	یوسفش از چه بدر افتاده دید
(همان: ۱۲۶)	

حشرات

در داستان‌های تمثیلی مخزن‌الاسرار از حشراتی چون زنبور، مور، ملخ و مگس نام برده شده است.

ما همه جسمیم، بیا جان تو باش	ما همه موریم، سلیمان تو باش
(همان: ۲۶)	
دیدم از آنجا که جهان بینی است	کآفت زنبور ز شیرینی است
(همان: ۱۴۲)	

نتیجه‌گیری

نظامی در انتخاب واژگان مناسب و ترکیبات خاص، ابداع معانی تازه و مضمون‌های جذاب، توصیف جزئیات و به کار بردن تشبیهات و استعارات نو و مطبوع بی‌نظیر است. وی در شمار کسانی است که توانست تا پایان قرن ششم، شعر تمثیلی را در به نهایت تکامل خود برساند. پس از بررسی داستان‌های تمثیلی مخزن‌الاسرار نتایج زیر به دست آمد:

- ۱- داستان‌های تمثیلی مخزن‌الاسرار معمولاً کوتاه هستند و از افراط‌گری به دور است.
- ۲- در داستان‌های تمثیلی مخزن‌الاسرار هر سه گونه فابل، پارابل و اگزومپلوم یافت شد.
- ۳- پارابل با ۶۵/۶ درصد بالاترین بسامد را داشته است. اگزومپلوم (۳۰/۲ درصد) و فابل

(۱/۴ درصد) در مرتبه‌های بعدی قرار گرفتند.

نظامی در داستان‌های تمثیلی خود از عناصر و ابزار مختلفی سود جست است که به ترتیب بسامد عبارتند از: تلمیحات مذهبی (۳/۴۶ درصد)؛ جانوران (۱/۳۹ درصد)؛ تلمیحات دینی (۱/۱۰ درصد) و اسطوره ملی (۳/۴ درصد).

منابع و مآخذ

قرآن کریم

۱. ابن اثیر، (۱۹۶۰ م = ۱۳۸۰ هـ)، المثل السائر فی ادب الکاتب و الشاعر. قاهره. مطبعه نهضه مصر.
۲. احمد نژاد، کامل، (۱۳۶۹)، تحلیل آثار نظامی گنجوی. تهران: علمی.
۳. اردلان جوان، سیدعلی، (۱۳۷۳)، تجلی شاعرانه اساطیر و روایت‌های تاریخی و مذهبی در اشعار خاقانی. مشهد: آستان قدس رضوی.
۴. بری، مایکل، (۱۳۸۵)، تفسیر مایکل بری بر هفت پیکر نظامی. ترجمه جلال علوی نیا. تهران: نشرنی.
۵. پورنامداریان، تقی، (۱۳۷۵)، رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی. تهران: علمی و فرهنگی.
۶. تقوی، محمد، (۱۳۷۶)، حکایت‌های حیوانات در ادب فارسی. تهران: روزنه.
۷. دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۷)، لغت‌نامه/ دوره کامل (۱۵ جلدی). تهران: دانشگاه تهران. چ دوم از دوره جدید.
۸. رازی، شمس‌الدین، (۱۳۶۹)، المعجم فی معاییر اشعار العجم. تهران: امیرکبیر.
۹. ریپکا، یان، (۱۳۸۲)، تاریخ ادبیات ایران. ترجمه ابوالقاسم سری. جلد اول. تهران: سخن.
۱۰. زنجانی، برات، (۱۳۷۰)، احوال و آثار و شرح مخزن الاسرار نظامی گنجوی. تهران: دانشگاه تهران.
۱۱. شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۵۰)، صور خیال در شعر فارسی. تهران: نیل.
۱۲. شهباز، حسین، (۱۳۸۰)، سیری در بزرگ‌ترین کتاب‌های جهان. تهران: امیرکبیر. چ سوم.
۱۳. صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۷۱)، تاریخ ادبیات در ایران. تهران: فردوس. چ یازدهم.
۱۴. کاشفی سبزواری، میرزا حسن، (۱۳۶۹)، بدایع الافکار فی صنایع الاشعار. تصحیح میرجلال‌الدین کزازی. تهران: مرکز.
۱۵. نظامی، الیاس بن یوسف، (۱۳۷۹)، مخزن الاسرار. تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی و به کوشش سعید حمیدیان. تهران: نشر قطره. چ ششم.
۱۶. همایی، جلال‌الدین، (۱۳۷۰)، فنون بلاغت و صناعت ادبی. تهران: هما.
۱۷. طغیانی، اسحاق و نجفی، زهره، (۱۳۹۳)، کارکردهای زبانی در مخزن الاسرار نظامی. نشریه ادب و زبان

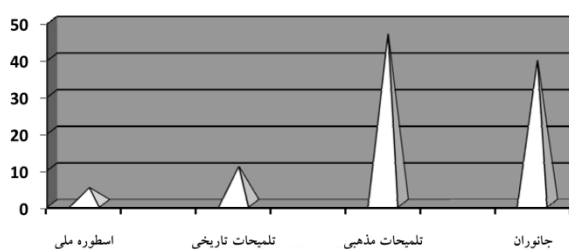
- ۱۳۶ فصل‌نامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر - بهار ۱۳۹۵، (ش. پ: ۲۷)
- دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان. سال ۱۷. شماره ۳۶. پاییز و زمستان؛ ۳۳۲-۳۰۷.
۱۸. فتوحی، محمود، (۱۳۸۴)، تمثیل، ماهیت، اقسام، کارکرد. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلّم تهران، سال ۱۲ و ۱۳، شماره ۴۷ - ۴۹؛ ۱۷۸-۱۴۱.
۱۹. قائمی، فرزاد، (۱۳۸۶)، نقش فلسفه تمثیلی در داستان‌پردازی‌های مولانا در مثنوی. فصلنامه پژوهش‌های ادبی. شماره ۱۶. تابستان؛ ۱۸۳-۱۹۸.
۲۰. گیل، جان و ویلر، چارلز، (۱۳۷۴)، کتاب مقدس به منزله اثری ادبی. ترجمه حسین پاینده. مجله ارغنون. بهار و تابستان. شماره ۵ و ۶؛ ۳۳۵-۳۹۲.
۲۱. ملایی، غلامحسین، (۱۳۸۳)، تمثیل در ادبیات ایران و جهان. مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی. شماره ۷۰: ۵۶-۵۹.
۲۲. نظری، ماه، (۱۳۹۳)، نقش تمثیل در داستان‌های مثنوی معنوی. مجله فنون ادبی دانشگاه اصفهان. سال ششم. شماره ۲ (پیاپی ۱۱). پاییز و زمستان؛ ۱۳۳-۱۴۶.



جدول (۱) انواع داستان‌های تمثیلی در مخزن الاسرار

ردیف	نوع تمثیل داستانی	بسامد	درصد
۱	فابل	۴ مورد	۴/۱
۲	پارابل	۶۳ مورد	۶۵/۶
۳	اگزیمپلوم	۲۹ مورد	۳۰/۲
۵	جمع کل	۹۶ مورد	۰/۱۰۰

نمودار (۱) فراوانی انواع داستان‌های تمثیلی در مخزن الاسرار



جدول (۲) فراوانی ابزار و عناصر مورد استفاده در تمثیل‌ها

ردیف	ابزار و عناصر مورد استفاده در تمثیل	بسامد	درصد
۱	اسطوره ملی	۳ مورد	۴/۳
۲	تلمیحات تاریخی	۷ مورد	۱۰/۱
۳	تلمیحات مذهبی	۳۲ مورد	۴۶/۳
۴	جانوران	۲۷ مورد	۳۹/۱
۵	جمع کل	۶۹ مورد	۰/۱۰۰

نمودار (۲) فراوانی ابزار و عناصر مورد استفاده در تمثیل‌ها

